

قانون مجازات عمومی

اخلاقی و روحی و جسمی مجرم و ماهیت شخصی او مجازات متناسب را تعیین نمود.

قانون مجازات عمومی ایران بسیاری از نظریات نامبرده را قبول و با اصلاح مواد پیش (که در خرداد ۱۳۱۰ بعمل آمده) عوامل مهم و مؤثر در تکرار از جمله تعداد سوابق محکومیت، نوع جرم، کمیت و کیفیت مجازات از حیث تشدید و تناسب آن با جرائم مختلفه و سوابق متهم مجازات مرتکبین تکرار را در نظر گرفته اند که گرچه کلیه رویه های تازه در اجرای مجازات و طرز آن در اصلاح مزبور وارد نگشته و هر چند در تعیین میزان مجازات قانون مزبور دارای اشکالاتی (۱) است ولی با تجدید نظری که در آن پیش بینی و در دست اقدام است و با جدیت و علاقه مخصوص وزارت عدلیه با اصلاح قوانین و تدوین آنها با سلوب تازه ترین قوانین ملل متمدنه با در نظر گرفتن مقتضیات کشوری کلیه نظریات مزبور تأمین شده و بزودی بمرحله تصویب و عمل خواهد رسید بهر حال و با اینهمه قانون مجازات عمومی ایران در مورد تکرار جرم از تازه ترین و مناسب ترین قوانین عصر حاضر است که در مجازات تکرار جرم وضع شده است اینک شرح مجازات مزبور:

دسته دوم مردم مفت خوار و انگل جامعه که برخلاف دسته اول ضعفشان از قرار جسمانی است بطوریکه با داشتن فکر نسبتاً کامل و قوای روحی متناسب و لگردی - تنبلی و بیکاری دماغ آنها را ضعیف و اعتماد بنفس و قوه جهد و کوشش آنها را خمود کرده ولی امید اصلاح در این دسته بکلی از بین نرفته و با اعمال بکرشته تنسیقات و تکان دادن و هشیار کردن آنها میتوان دوباره بجامعه بازگشت کنند. در باره این قبیل اشخاص باید رویه بنگاههای تربیتی را اعمال نمود چه علاوه از آنکه کارهای دشوار از اینها که دارای جثه ضعیف اند بر نیآید چون قوای فکریشان نسبتاً قویتر از دسته اول است حس مجرمیت بر اثر بکار انداختن بی جای هوش و اقوای آن به اعمال زشت تحریک تقویت میشود اینستکه باید محیط زندگی آنها را طوری مرتب نمود که کمترین مجالی برای پرورش فکر بد خود و سرایت آن بدیگران و یا بر عکس اخذ و اقتباس افکار زشت از اشخاص اخیر نداشته باشند.

دسته سوم از مجرمین یعنی آنهایی که بر اثر بیچارگی و استیصال و یا عمل اتفاقی باز مرتکب جرم میشوند مستحق مجازات با مدت اند آنها با مراقبت در زندگی زندانی آنها بکار واداشتن و نگاهداری بک قسمت از دسترنجشان برای روز خلاصی تا بتوانند در روز مزبور بوسایل شراقتمندان زندگی خود را تأمین و دیگر همان علل سابقه و مؤثر انجام جرم سبب تکرار آن نشود. پس قانون مجازات کامل آنستکه تمام نظریات فوفی و آنچه را که در مجازات مجرمین مورد بحث واقع شد با هم ترکیب نموده و بسته بنوع جرم و اهمیت و علل و موجبات مؤثره در وقوع آن و تناسب فکری و

(۱) در بعضی موارد خاصه قسمت اخیر شق ۲ ماده

۲۵ مجازات مجرمین با دو سابقه محکومیت و مجرمین با سه سابقه محکومیت (شق ۳) بی تناسب است.

(شق ۳ ماده ۲۵) نیز فرض غیر عملی موجود است

ماده ۲۵ - در موارد تکرار جرم بطریق ذیل رفتار میشود:

۱ - اگر مجرم فقط يك سابقه محکومیت جنائی یا جنحه داشته باشد مجازات او بیشتر از حد اکثر مجازات جرمی است که دفعه دوم مرتکب شده بدون اینکه از حد اکثر آن مجازات بعلاوه نصف تجاوز کند مگر آنکه مجرم مرتکب نظیر همان جرم سابق شده باشد که در اینصورت مجازات بیشتر از حد اکثر مجازات جرم دوم خواهد بود بدون اینکه او دو برابر حد اکثر تجاوز کند.

سرقت و اختلاس و ارتشاء و کلاه برداری و خیانت در امانت از حیث تکرار جرم نظیر هم محسوب است.

۲ - اگر مجرم در سابقه محکومیت جنائی یا جنحه داشته باشد مجازات او یکدرجه تشدید شده یا بیشتر از دو برابر حد اکثر مجازات جرم سوم خواهد بود بدون اینکه از سه برابر حد اکثر تجاوز کند.

۳ - هرگاه مجرم بیشتر از دو سابقه محکومیت جنائی یا جنحه داشته باشد مجازات او یکدرجه تشدید میشود و نباید از دو برابر حد اکثر مجازات اشد کمتر باشد مگر این که در اینصورت بهمان حد اکثر محکوم خواهد شد.

مجازات کسانی که بیش از دو سابقه محکومیت برای دزدی و کلاه برداری داشته باشند حبس موقت با اعمال شاقه است مگر اینکه قانوناً جرای بیشتری برای آنها مقرر باشد در مورد این اشخاص مسأله باید حکم دهد که محکوم بعد از انقضای مدت محکومیت در یکی از نقاطی که از طرف دولت معین میشود توقف اجباری نماید تعیین مدت توقف اجباری بنظر وزیر عدلیه زود ولی نباید از ده سال تجاوز کند بعلاوه دولت میتواند حکم محکومیت این محکومین را نیز در همان نقطه اجرا نماید.

۴ - هرگاه در حین صدور حکم محکومیت های سابق مجرم معلوم نبوده و بعداً معلوم شود مدعی العمومی که در نزد محکمه حاکمه مأموریت دارد باید مراتب را بمحکمه اطلاع بدهد در اینصورت اگر محکمه محکومیت های سابق را بحرز دانست مکلف خواهد بود حکم خود را بر طبق مقررات فوق تصحیح نماید.

برای اجرای مقررات این قانون محکومیت های قبل از تصویب آن نیز منظور خواهد شد.

نصیه - جرم قاچاق اسلحه و ظلاً تابع مقررات فوق است پس در پایان نص و از مراجعه بقانون مجازات عمومی ایران میتوانیم چنین نتیجه گیریم که «مشمولین تکرار جرم» عبارت از کسانی هستند که بحکم قطعی و لازم الاجرای «دادگاه کشور و رای جرم (عادی) جنحه یا جنایت بمجازات» بیش از دو ماه حبس تأدیبی محکوم شده باشند و پس از «انقضای حکم مزبور یا اتمام مجازات در مورد جنحه در ظرف پنج سال در مورد جنایت در ظرف دهسال باز مرتکب «جرم عادی دیگری (از جنحه و جنایت) شوند» در تعدد عامل - و حدث جرم

شرکت و معاونت

تا کنون آنچه که در حقوق جزائی مورد بحث قرار گرفت موضوع جرم و مخصوصاً در بخش اخیر ارتکاب آن از طرف «مجرم» بهالت فردی بود لیکن همیشه اوقات عمل فرد واحد کافی بر وقوع جرم نیست بلکه چندین نفر برای انجام آن شرکت میکنند.

شرکت در جرم مخصوصاً در عصر اخیر و بهمان نسبت که دوره ترقی و تمدن بشر سیر تکاملی خود را طی میکنند و از نظر توسعه سازمان اجتماعی در حفظ و حمایت حقوق مردم و نیز از نظر وابستگی روز افزونی که در منافع جامعه مشهود است روز بروز زیاد تر و دارای اهمیت بیشتری می گردد چه با قبول اینکه ترقی تمدن مرهون افکار جمعی بشر است و بهمان درجه شرکت اشخاص با یکدیگر در زندگی اقتصادی و اجتماعی عامل حتمی و لازم ترقی است همینطور

هم تمدی و تجاوز باقراد و بنگاهها از طرف فرد واحد کمتر مقدور (۱) و توسط با اقدام جمعی بیشتر مورد لزوم واقع میشود - بجهت مزبور جرائم مهمه و خطرناک و همانها که برای مردمزیان آورتراند بوسیله عدّه از مجرمین انجام میگردد بطوریکه گاه همگی در ارتکاب عمل خلاف عامل اند مثلاً هر کدام يك قسمت جرم را اجرا میکنند یا هر يك مستقلاً بقصد ارتکاب تمام جرم منتهی جمعاً اقدام میکنند و گاه برخی از آنها در تهیه مقدمات و آسان کردن اصل عمل کوشیده و بعضی دیگر عمل مزبور را شخصاً بوقوع میرسانند درحالت اولی اقدامات آنها شرکت در جرم و در حالت دوم معاونت در آن نامیده میشود

اینک شرح هر يك از دو حالت فوق

۱ - شرکت

شرکت در جرم عبارت از آنستکه چند نفر در ارتکاب عمل خلاف مستقیماً دخالت داشته و عهده دار عمل بست و مؤثر در وقوع آن شده و آنرا انجام کرده باشند اعم از آنکه شرکت در اثر مواضعه قبلی آنها یا یکدیگر ایجاد و یا بطور اتفاق و بی سابقه درحین وقوع جرم صورت گیرد . پس از تعریف فوق میتوانیم وقوع شرکت را بسه حالت مختلف تقسیم کنیم :

۱ - مثلاً سرقت که عادیترین جرائم است بوسیله وجود بانک، و بنگاههای عمومی و پنهانده شدن مردم بدانها برای سپردن اشیاء نفیس و نفوذ جوواهر است از عمده فیردخارج میشود همینطور توسعه معارف و باسواد شدن مردم که نتیجه سبب هشیاری آنها و بی بردن بحقوق خویش است مانع از فریفته شدن با اقدام فردی است و بهمین نسبت جرائم بزرگ غالباً بدست یاری چند نفر انجام و کم عمل فیردخای خود را یکمک افراد میدهد

۱ - شرکت چند نفر بطور مواضعه و بقصد انجام هرگونه جرم .

۲ - شرکت چند نفر بطور مواضعه برای آنکه جرم مخصوص و معینی مرتکب شوند .

۳ - شرکت چند نفر غفلتاً و بطور اتفاقی در وقوع جرم . در مورد حالت اول و دوم بزرگترین افراد برای ارتکاب جرم بسته بنوع جرم مزبور و طرز اجرای آن و نیت و قصد مجرمین حالات مختلفی پیدا میکند چنانچه گاه مواضعه قبلی برای جرم عادی است گاه برای جرم سیاسی و باصطلاح دستبندی (۱)

۱ - مواضعه در جرم عادی - برای یاره از جرائم مهمه و آنها که بوسیله یک نفر انجام نشده و شرکت و معاونت چندین نفر را ایجاب میکند مجرمین و مخصوصاً آنها که در اثر تواتر در ارتکاب عمل سابقه کافی و بینائی یا انجام جرائم مشکل و نفع آور دارند گردهم جمع میشوند و غالباً سازمان باوسعتی برای خود ترتیب داده مثلاً پیش از شروع بهر عملی نقشه آنرا پیش خود طرح و راه های مختلف آن بامشورت هم تهیه شده رؤسای مخصوص داشته بعضی از اعضاء متخصص در فن خود هستند - حتی در باره کشور های مغرب زمین تشکیلات مجرمین بقدری وسیع و مرتب و از روی کمال دقت تهیه شده که بیک بنگاه و اداره مهم بیشتر شبیه است تا بمجمع جنایتکاران .

دومی است جرائم مرتکبه از طرف اجتماعات فوق بنهایت خطرناک و بهمان درجه کشف آنها مشکل و درعین حال برای شرکاء و معاونین نفع آور است .

اینگونه اجتماعات بخودی خود و بدون آنکه مستلزم انجام و ارتکاب جرم مخصوصی باشد بموجب قانون مجازات ممنوع و دارای مجازات شدید است بطوریکه تنها تکمیل

چنین جمعیتی کافی برای وقوع جرم است گاه هم وسائل ارتكابی از طرف مجرمین قبلا پیش بینی و مخصوصاً توسط باسلحه و تشکیل دستجات مسلح و مقاومت با هرگونه دفاع شرط رسیدن بمقصود است در اینجا اهمیت خطر و جرم احتمالی بقدری است که قانونگذار عمل مزبور را جرم علیحده و در عداد جنایات شدید قرار داده و برای آن مجازات سخت تعیین نموده است.

ب - اجتماع و مواضعه برای جرائم سیاسی - که عبارت از تبانی چند یا چندین تن است برای جرم سیاسی - عمل مزبور نیز بخودی خود و بدون آنکه منتهی بواقع ساختن قصد مجرمین باشد جرم است چه همان مواضعه پیشکی چند نفر که بر علیه شخص یا اشخاص یا رویه حکومت و یا امنیت و استقلال کشور تشکیل میشود فی نفسه منحل آسایش عمومی و نظم اجتماعی است و تنها فرق آن باحالت اول از حیث ماهیت جرم است که در آن حالت برای جرائم عادی مواضعه شده و در درمی مقصود واقعی افراد از دسته بندی انجام نیت سیاسی است و اگر هم فرضاً جرم عادی در خلال عملیات آنها سرزند بطور غیر مستقیم و بعلت همان مقاصد نامبرده واقع میشود.

اجتماع و مواضعه برای جرم همانطور که گفته شد یا بطور دائم است مثلاً عده جمع میشوند و مرام خود را انجام هر عمل خلاف که برای آنها بهره ور باشد قرار میدهند بدون آنکه قبلاً نوع و عمل مخصوصی را پیش بینی کرده باشند در این مورد علاوه از اینکه همین قدر از عمل آنها جرم است در هر دفعه هم که از طرف آنها عمل خلافی سرزند جرم تازه دیگری واقع خواهد شد.

برعکس مواضعه مجرمین برای منظور مخصوص و معین بمحض عملی شدن آن منظور و رسیدن بمقصود ازین میروبد بدین طریق: اولاً این مواضعه بخودی خود جرم نیست و ثانیاً موجب تعدد جرم نشده و بچند قسم ممکن است واقع شود؛ مثلاً گاه اجتماع شرط اصلی ورکن لازم در وقوع جرم است مثل اعتصاب کارگران یا استخدامین دولت (در کشوری که این اعمال جرم شناخته شود) یا مواضعه تجار و ملاکین برای افزایش (غیر مشروع) قیمت اجناس در این حالات جرم واقع نمیشود مگر بتحقیق اجتماع و مواضعه ... گاه برخلاف تبانی افراد و اجتماع آنها شرط اصلی در وقوع عمل نیست منتهای جمع شدن چند نفر بمنزله یکی از کیفیات مشدده است مثل اجتماع چند نفر در ارتكاب سرقت یا عمل منافی عنیت در این دو حالت صرف اجتماع در بسیاری از موارد جرم است (شروع بجرم) ولو آنکه اصل عمل در نتیجه عوامل خارجی واقع نشود گاه هم قانون بطور صریح نوع مشارکت هر يك را برای تحقق جرم تعیین و تفسیر میکنند ولی در این مورد صرف اجتماع سبب وقوع جرم نمیشود بلکه انطباق قانون با عمل هر يك از شرکت کنندگان شرط اصلی است و اما حالت سوم که عبارت از شرکت چند نفر در جرم بدون مواضعه قبلی است از نظر قضائی و اگر بادقت کامل و بدون توجه باطراف قضیه و بلکه از نفس امر نمیتوان این حالت را با شرکت در جرم عیناً تطبیق کنیم - زیرا عمل مزبور (شرکت در جرم) عبارت از توافق قبلی و تبانی بیشکی جمعی است در انجام عمل خلاف و درحقیقت شرط وقوع شرکت همانا ایجاد مقدمات آن (که قصد شرکت است) بوده بطوریکه قبلاً بکراهت فکری بین همکاران ایجاد و برای امر خلاف متفق شوند تا بتوان از نظر قضائی عنوان شرکت را در باره آنها صادق دانست.